

پنجشنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۴۳۲

ورزشی

گزارش

چرا پول در استقلال و پرسپولیس اینگونه حیفوومیل می‌شود؟

لزوم ورود جدی نهادهای نظارتی و قضایی

چه زمانی که سرخابی‌ها در مالکیت وزارت ورزش بود و چه الان که مالکانی جداگانه دارند، پرونده‌های بریز و بباش‌های بیپوده و خسارات مالی حول این ۲ باشگاه بیداد می‌کند، بویژه در این ۲ سال و اندی که شیر پول برای آنها با فشار زایدالوصفی باز شده است، آن هم از جیب ملتی که برای تامین مایحتاج خود به معنای واقعی دچار مشقت هستند یا جهت اخذ وامی با سختگیری‌های بی‌مورد گوناگون روبرو می‌شوند! هر از گاهی هم انوار مششع مدیریت مدیران ناکارآمد و هزینه‌ساز این ۲ باشگاه، چشم‌ها را خیره و مردم در مضیقه را نقره داغ‌تر می‌کند!

آش آنقدر شسور شده که حتی رسانه‌های رسمی و دولتی کشور که بعضا چنین مواردی را با احتیاط بازگو می‌کنند، اکنون بدون ملاحظه و با اطمینان از کنه موضوع به بیان و تحلیل آن می‌پردازند، البته چند سال است که چنین رویه‌ای به سبب عیان بودن مساله، همراه با اعتراض و مطالبه‌گری در رسانه‌های رسمی و دولتی به جد مطرح می‌شود و حتی نهادهایی چون مجلس شورای اسلامی نیز بدان ورود (ولو ناکافی) کرده‌اند. همه چیز تا حدود بسیار زیادی اظهارمن‌الشمس شده که آن نیز نتیجه ناکارآمدی، قصور و بعضا تخلف مدیران این ۲ باشگاه است؛ مدیرانی که با وجود همه این موارد، کماکان نقش فرافکنی و رها نکردن صندلی ریاست را با شدت و حدت اجرا می‌کنند!ای کاش قدری نیز در حسن اجرای مسؤولیت محوله و امانتداری در وظیفه چنین شدت و حدتی را قائل می‌ایشتند!

با همه این تفاسیل چرا این‌ها معضل، هر روزش بدتر از دیروز است؟ چون رسیدگی و بازخواست لازم از سوی نهادهای مسؤول وجود ندارد که اگر وجود داشت این حیف و میل‌ها تا حدود زیادی منقطع می‌شد یا حداقل به چنین وضوحی انجام نمی‌شد! اینگونه تضییع متعدد بیت‌المال، مگر جزو مصادیق فساد یا فسادزا محسوب نمی‌شود؟ پس چرا عزم جدی برای ریشه کردن آن مشاهده نمی‌شود؟ چرا با مسببان و عوامل آن، برخوردی عبرت‌آموز صورت نمی‌گیرد؟ اگر چنین حسابرسی‌ای وجود داشت آیا مرتکبان آن، اینگونه بی‌پروا عمل می‌کردند یا سودای ماندن یا بازگشت مجدد به این پست و مقام را داشتند؟

عجیب این است که به رغم وفور دستگاه‌های نظارتی و بازرسی در کشور، چنین مدیرانی مورد مواخذه جدی نسبت به ضرر و زیان‌های ایجادکرده خود، قرار نگرفته‌اند! در این میان با توجه به مضایق مردم، چه کسی باید حافظ بیت‌المال مسلمانان و حساب‌کشی از ضررزدگان به اموال عمومی باشد؟ اصلا فارغ از مساله بیت‌المال، چه کسی باید یقه مدیران متخلف را بگیرد تا تخلفات فسادزا به حداقل برسد؟ البته فقدان بازرسی و نظارت لازم، چنین مدیرانی را قارغ‌اللب می‌کند در تلاش برای بازگشت و جلوس بر آن صندلی رویبای تلاش بسیار نمایند و جهت حفظ آن و خاموش کردن منتقدان نیز، متوسل به هر اهرمی اعم از غیراخلاقی، پرونده‌سازی و... می‌کنند! چرا باید از خیر چنین پست جذاب و پرمغفگی که از پاسخشگویی و حسابرسی در آن نیز چندان خبر جدی‌ای نیست، به راحتی گذشت؛ مخصوصا در این برهه؟!

باید آرزو کرد کاش برای یک بار هم که شده مسؤولان ذی‌رسط اعم از مقام مافوق مجموعه، دستگاه‌های نظارتی، بازرسی و قضایی جهت پاسداری از بیت‌المال، برخورد با مدیران قصورکننده یا متخلف و مقابله با موارد فسادزا ورودی جدی و بدون مسامحه به عملکرد مدیران ۲ باشگاه استقلال و پرسپولیس (سابق و فعلی) نمایند، البته فقط باید آرزو کرد!

خبر

تیم دوچرخه‌سواری اسرائیل محوشد

تیم دوچرخه‌سواری اسرائیل تصمیم گرفت از فصل آینده در مسابقات بین‌المللی زیر پرچم اسرائیل رقابت نکند.

به گزارش فارس، تیم دوچرخه‌سواری اسرائیل که در مسابقات اخیر به میزبانی اسپانیا با اعتراضات گسترده مردم به خاطر جنایات رژیم صهیونیستی در غزه محاصره شد بنا به گزارش روز سه‌شنبه شبکه الجزیره تصمیم گرفت در فصل ۲۰۲۶ روابط خود را با اسرائیل قطع کند و زیر پرچم صهیونیست‌ها مسابقه ندهد.

تیم دوچرخه‌سواری اسرائیل در مسابقه وولنتای اسپانیا ۵ بار توسط مردم محاصره شد و در نهایت فینال این مسابقات با تجمع ۱۰۰ هزار نفری مردم مادرید لغو شد.

این تیم متعلق به سیلوان آدامز، میلیاردر اسرائیلی-کانادایی است. به دلیل جنگ اسرائیل علیه غزه که در آن رژیم صهیونیستی بیش از ۶۷۰۰۰ فلسطینی را به قتل رسانده توسط کارشناسان و مردم دنیا متهم به نسل‌کشی شده و مورد انتقادات گسترده قرار گرفته است.

اسرائیل Premier-Tech Israel تصمیم گرفته نام تیم را از برند خود حذف کند و دیگر زیر پرچم اسرائیل رقابت نکند و تنها با نام تجاری Premier Tech در فصل ۲۰۲۶ رقابت خواهد کرد.

بنا به گزارش الجزیره، مالک اسرائیلی- کانادایی این تیم هم درباره دوچرخه‌سواران صحتی نخواهد کرد تا این تیم «با قطع رابطه با اسرائیل» در مسابقات بین‌المللی شرکت کند.



توفان جدایی اوسمار در شرق آسیا، لرزش قلب هاشمیان در تهران

سایه ویرا بر نیمکت سرخ‌ها

در فوتبال، گاهی سکوت یک مربی

در نقطه‌های دور، صدایی بلندتر از هزار شعار در استادیومی شلوغ دارد. این روزها، آن صدا از شرق آسیا به گوش می‌رسد؛ جایی که اوسمار

ویرا، مربی برزیلی نام‌آشنا، ناگهان در اوج از نیمکت تیم تایلندی‌اش کنار رفت. خبر کوتاه بود اما پژواکش تا تهران کشیده شد؛ جایی که وحید هاشمیان، زیر نگاه سنگین هواداران پرسپولیس، روزهای سختی را سپری می‌کند. اوسمار در فصل تازه، با تیمی شکست‌ناپذیر و رکوردی درخشان پیش می‌رفت؛ ۶ برد و تنها یک تساوی، کافی بود تا بوربرام را در صدر جدول نگه دارد. با این حال، او تصمیم گرفت صحنه را ترک کند، بی‌هیاهو و بی‌خداحافظی، برای اهالی فوتبال تایلند، این کناره‌گیری شوکار بود اما در تهران، خیلی‌ها آن را «آغاز چیزی بزرگ‌تر» دانستند؛ شاید مقدمه‌ای برای بازگشت مردی که هنوز نامش در حافظه هواداران قرمز زنده است.

پرسپولیس امروز، در سکوتی پر تنش زندگی می‌کند. تیمی که روزگاری هر هفته با پیروزی بدرقه می‌شد، حالا پس از ۶ بازی تنها ۸ امتیاز اندوخته‌است. صدای طبل نارضایتی در سکوها بلند شده و شعارهایی که تا دیروز برای حمایت بود، حالا رنگ مطالبه گرفته‌اند: «حیا کن، رها کن!». جمله‌ای کوتاه اما سنگین که از دلخوری می‌آید، نه دشمنی.

در این میان، جدایی اوسمار از شرق، مثل نسیمی داغ، آتش شایعات را شعله‌ور کرد. همان مربی‌ای که روزی دستیار یحیی گل محمدی بود، در روزهای پر آشوب باشگاه، موقتاً مسکن را در دست گرفت و با همان تیم قهرمان شد. او به ظاهر یک مربی آرام بود اما در زمین، ذهنی تاکتیکی و دقیق داشت؛ چیزی که هواداران هنوز فراموش نکرده‌اند.

در فوتبال ایران، هیچ صندلی‌ای به اندازه نیمکت سرخابی‌ها لرزان نیست. تنها کفا است طی یکی دو هفته چند امتیاز از دست برود تا توفان نقد و فریاد از سکوها برخیزد اما این بار، در همان ابتدای فصلی پرباهام، هر ۲ نیمکت بزرگ پایتخت - استقلال و پرسپولیس - ناآرام‌تر از همیشه‌اند. هرچند ریکاردو ساینیتو و وحید هاشمیان هنوز در میدانند؛ با چهره‌هایی خسته اما چشم‌هایی امیدوار.

۶ هفته از لیگ گذشته و هر ۲ تیم از این برق آغاز فصل دور شده‌اند. استقلال در بازی‌های آسانی که باید می‌برد، لغزیده و پرسپولیس که تقریباً تمام بازی‌هایش را در تهران برگزار کرده، هنوز راه خودش را پیدا نکرده. با این حال، جدول مسابقات تصویری پیچیده‌تر از نامیدی نشان می‌دهد؛ اختلاف با صدر کم است، انقدر که یک پیروزی می‌تواند همه چیز را زیر و رو کند. ۴ تیم با ۹ امتیاز در بالا ایستاده‌اند و پشت‌سرشان، سرخابی‌ها با ۸ و ۷ امتیاز نفس می‌کشند. شاید این بار خوش‌اقبالی، کمر بند نجات ۲ سرمربی باشد. در فضای پر تنش رسانه‌ای، بسیاری انتظار داشتند پیش از تعطیلات فیفادی، لااقل یک نیمکت خالی شود اما غزه رخلاف موج شایعات، هیچ تغییری رخ نداد. مدیران هر ۲ باشگاه، به جای تصمیم‌های احساسی، راه صبر را برگزیدند. آنها

وقتی فصل تمام شد، انتظار می‌رفت مدیران باشگاه قراردادش را تمدید کنند اما مانند بسیاری از تصمیم‌های دیرنگ‌تر از فوتبال ایران، تردید و تعلل، کار را از دست‌شان درآورد. اوسمار به تایلند رفت و در آنجا ۴ جام در یک فصل کسب کرد. حالا، درست در زمانی که پرسپولیس در بحران اعتماد و نتیجه دست و پا می‌زند، همان مربی آزاد شده است. تصادف است یا سرنوشت؟ در ساختمان باشگاه، هیچ چیز قطعی نیست. مدیر عامل پرسپولیس، در مرکز انتقادها قرار دارد؛ هواداران از درویش دل‌چرکینند و مالکان نیز گویا منتظرند خودش استعفا کند اما او همچنان مانده، بی‌اشاره به جدایی و تصمیم‌های بزرگ را به تعویق می‌اندازد. در چنین فضایی، حتی یک شایعه هم می‌تواند به واقعیت بدل شود.

عده‌ای می‌گویند هنوز برای قضاوت درباره هاشمیان زود است. او تازه کارش را شروع کرده و تغییرات تاکتیکی‌اش زمان می‌خواهد اما فوتبال، صبر نمی‌شناسد. در دنیایی که نتیجه حرف اول را می‌زند، ۲ بازی ناکامی می‌تواند سال‌ها سابقه و اعتبار را زیر سوال ببرد.

در گوشه دیگر این ماجرا، هوادارانی هستند که نگاه‌شان نه به جدول امتیازات، بلکه به خاطره‌ها دوخته شده؛ به آن روزهایی که با اوسمار، تیم‌شان دوباره بوی اعتماد داد. حالا همان مرد در دسترس است و پرسشی در ذهن همه می‌چرخد: آیا باید دوباره به عقب برگردیم تا جلو برویم؟

پاسخ ساده نیست. فوتبال ایران بارها نشان داده تصمیم‌های احساسی، بیشتر از تصمیم‌های منطقی، مسیر تیم‌ها را تعیین می‌کند. اگر امروز شایعه بازگشت اوسمار رنگ واقعیت بگیرد، این تنها یک تغییر فنی نیست؛ یک بازگشت احساسی است، شاید برای جبران تصمیمی که یک سال و نیم پیش به موقع گرفته نشد. اما اگر از زاویه‌ای دیگر بنگریم، شاید این بحران

ساینیتو و هاشمیان زیر فشار انتقاد اما هنوز در بازی

نفس میان توفان



بخوبی می‌دانند در این جدول فشرده، برکناری سرمربی یعنی آغاز یحرائی تازه. فعلاً از نگاه آنها، زمان، بهترین یار این دوا است. در روزهایی که تمرینات به خاطر تقویم فیفا تعطیل شده، ۲ تیم بزرگ پایتخت به بازسازی روحی و فنی بازیکنان‌شان فکر می‌کنند.

این فرصت کوتاه، برای ساینیتو و هاشمیان حکم استراحت ندارد؛ فرصتی است برای بازسازی اعتماد، احیای انگیزه و یافتن راهی برای بازگشت. هر دو در مصاحبه‌های اخیرشان به روشنی نشان داده‌اند هنوز ایمان دارند - به خودشان، به تیم‌شان و به هوادارانی که حتی با وجود خشم، حامی‌شان هستند؛- برای وحید هاشمیان، این چالش رنگی از آشنایی دارد. او مدتی در همین باشگاه بازی کرده، بارها طمع فشار را چشیده و حالا از درون پرسپولیس را بهتر از هر کسی می‌شناسد. شاید همین شناخت، بزرگ‌ترین سرمایه‌اش باشد. تیم او هنوز ناهماهنگ است اما در لابه‌لای بازی‌ها نشانه‌هایی از بازگشت دیده می‌شود: بازیکنانی که آرام‌تر پاس می‌دهند، خطوطی که بتدریج نزدیک‌تر می‌شوند و

نیمکتی که دیگر سرد نیست. در سوی دیگر، ریکاردو ساینیتو روزهای متفاوتی را می‌گذران، محرومیت‌های انضباطی‌اش باعث شده چند هفته‌ای دور از زمین باشد اما آتش درون او هنوز خاموش نشده. مربی پرتغالی که به هیجان‌ش شهره است، حالا سعی

دارد همان انرژی را به جای عصبانیت، به تمرکز تبدیل کند. استقلال او در این فصل هنوز شکل واقعی خودش را پیدا نکرده اما کسی تردید ندارد وقتی ساینیتو به نیمکت برگردد، تیشم با چهره‌ای تازه ظاهر خواهد شد. اما مساله فقط فنی نیست. فوتبال ایران همیشه میان احساس و منطق در نوسان است. فشار هوادار می‌تواند مدیران را به تصمیم‌هایی شتاب‌زده وادارد. با این حال، فعلاً مدیران هر ۲ باشگاه با احتیاط گام برمی‌دارند و می‌دانند هر تغییر، هزینه‌ای دارد؛ از قراردادهای فسخ‌شده گرفته تا بحران روانی در رختکن. آنها ترجیح داده‌اند این بار، به جای حذف و جایگزینی، به «اصلاح» فکر کنند.

این بار، به جای حذف و جایگزینی، به «اصلاح» فکر کنند.

این بار، به جای حذف و جایگزینی، به «اصلاح» فکر کنند.

این بار، به جای حذف و جایگزینی، به «اصلاح» فکر کنند.

روایت جدایی ناگهانی اوسمار

کسی باور نمی‌کرد مردی که در یک فصل، تمام جام‌های تایلند را در آغوش گرفته، ناگهان از نیمکت قدرت به سکوت خانه تبعید شود. اوسمار ویرا، سرمربی برزیلی بوربرام که فصل گذشته را با رکوردی درخشان به پایان رسانده بود، تنها در چند ساعت مسیر حرف‌اش تغییر کرد. همه چیز از رختکن آغاز شد. پس از تساوی تلخ تیم در هفته اخیر، مدیرعامل باشگاه بی‌دعوت وارد رختکن شد؛ در حالی که بازیکنان هنوز عرق مسابقه را بر تن داشتند، او با صدایی بلند شروع به انتقاد از عملکرد تیم کرد. کلماتش سنگین بود و نگاهش تیز، بی‌آنکه به حضور سرمربی اهمیت دهد.

اوسمار که همیشه بر مرز میان نظم و احترام ایستاده بود، تاب نیاورد. آرام اما قاطع، از مدیر خواست محدوده سرمربی را بشناسد و شأن رختکن را حفظ کند. لحظه‌ای سکوت در فضا پیچید و سپس جرقه گفت‌وگویی تند میان ۲ نفر از ارکان باشگاه زده شد. سخنانی رد و بدل شد که هیچ‌کدام منتشر نخواهد شد اما همان چند جمله کافی بود تا در دفتر مالک، تصمیمی فوری گرفته شود.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید. برای هواداران، این پایان ناگهانی نه فقط یک تصمیم مدیریتی، بلکه درسی تلخ بود: در فوتبال حرف‌های، گاهی همه چیز با یک واژه فرو می‌ریزد؛ همان‌طور که اوسمار به درستی گفت «باید به من احترام بگذارید» و مسیرش تغییر کرد.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید. برای هواداران، این پایان ناگهانی نه فقط یک تصمیم مدیریتی، بلکه درسی تلخ بود: در فوتبال حرف‌های، گاهی همه چیز با یک واژه فرو می‌ریزد؛ همان‌طور که اوسمار به درستی گفت «باید به من احترام بگذارید» و مسیرش تغییر کرد.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چند ساعت بعد، وقتی اوسمار به خانه رسید، در صفحه رسمی باشگاه خبر برکناری‌اش

را دید؛ بی‌مقدمه، بی‌تقدیر، بی‌وداع. مردی که با خونسردی و دقت توانسته بود ۴ جام را به بوربرام هدیه کند، حالا در سکوت، نتیجه یک برخورد لحظه‌ای را می‌چشید.

چ